

مطالعه تطبیقی احتکار در حقوق کیفری ایران و افغانستان

امید رستمی غازانی* محمد زکی هاشمی**

(تاریخ دریافت: ۹۸/۱/۲ تاریخ پذیرش: ۹۸/۳/۲۷)

چکیده

احتکار کالاها یکی از چالش‌هایی است که با اختلال در نظام عرضه و تقاضا، تعادل اقتصاد کشورها را با چالش مواجه می‌کند. تحقق اهداف و برنامه‌های اقتصادی دولت‌ها بدون کنترل احتکار و بزه‌انگاری آن ممکن نیست. قانونگذاران کشورهای ایران و افغانستان در طول دوران قانونگذاری خود با توجه به شرایط حاکم بر جوامع خود و در راستای حمایت از معیشت و اقتصاد مردم قوانین بسیاری را در خصوص احتکار تصویب نموده‌اند، که این امر بیانگر اهمیت پرداختن به موضوع احتکار از یک سو و ناکارآمدی قوانین وضع شده از سوی دیگر است. در نظام حقوقی ایران و افغانستان احتکار تحت شرایطی در قالب «تخلف» و یا «جرم» مورد منع قرار گرفته و متناظر با آن، با پاسخ‌های اداری و یا کیفری مواجه شده است. در نظام حقوقی ایران پاسخ‌های اداری و کیفری در طول یکدیگر قرار دارند، بدین معنا که صرف احتکار تخلف بوده و تحت شرایطی مشمول عنوان مجرمانه می‌شود. در نظام حقوقی افغانستان پاسخ‌های اداری و کیفری در عرض یکدیگر قرار دارند، بدین نحو که صرف ارتکاب احتکار همزمان تخلف و جرم تلقی شده و همزمان با پاسخ‌های اداری و کیفری مواجه می‌شود.

واژگان کلیدی: احتکار، جرم اقتصادی، تخلف اقتصادی.

* استادیار حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه بین‌المللی اهل بیت (ع)، تهران، ایران (نویسنده مسئول):

o.rostamighazani@abu.ac.ir

** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه بین‌المللی اهل بیت (ع)، تهران، ایران.

مقدمه

احتکار کالاها یکی از مسائل مهمی است که نظام‌های اقتصادی کشورهای مختلف را با چالش‌های جدی مواجه نموده و بزه‌انگاری (اعم از جرم‌انگاری و تخلف‌انگاری) احتکار از دوران گذشته تا اکنون همواره مورد توجه بوده است و از این رو می‌توان آن را یکی از مصادیق جرایم اقتصادی دانست.^۱ هرچند برخی ادعا نموده‌اند که در دنیای تجارت آزاد احتکار جایگاه چندانی ندارد، در کشورهای مبتنی بر اقتصاد انحصارطلب احتکار از جانب اشخاص حقیقی و حقوقی و حتی گاه دولت قابل تحقق است (مهدوی‌پور، ۱۳۹۵: ۱۳۱). لیک تردیدی نیست که در همه نظام‌های اقتصادی تنظیم جریان صحیح عرضه و تقاضا از وظایف اساسی دولت‌ها بوده و چه بسا در این راستا اقدام به بزه‌انگاری برخی از رفتارهای مخلّ جریان عرضه و تقاضا (و از جمله احتکار) نمایند، چراکه از یک سو اجرای برنامه‌ها و دستیابی به اهداف اقتصادی جز از طریق کنترل نظام عرضه و تقاضا و از جمله پیشگیری و مقابله با احتکار ممکن نیست. احتکار سبب کاهش یا توقف جریان توزیع کالاها و در نتیجه افزایش تقاضا بر عرضه و به تبع آن افزایش قیمت کالاها می‌گردد. اختلال در نظام توزیع کالاها ممکن است حتی منتهی به بحران‌های سیاسی و امنیتی نیز گردد. عمده مشکلات ناشی از احتکار نیز بیشتر متوجه طبقات اقتصادی پایین جامعه است و همین موضوع اهمیت پاسخدهی مناسب به بزه احتکار را دو چندان می‌کند. از سوی دیگر، جذّابیت‌های ناشی از احتکار به نحوی است که همواره اشخاصی در جهت افزایش دارایی‌های خود آماده ارتکاب آن باشند. آنگونه که برخی بیان داشته‌اند، انگیزه احتکار غالباً اقتصادی است و محتکران با قطع یا محدود نمودن عرضه و ایجاد وضعیت کاذب کمبود کالا و خلق موقعیت برای خود به دنبال افزایش قیمت و تحصیل سود بیشتر هستند (امیدی، ۱۳۹۶: ۳۲).

۱. جرم اقتصادی اشاره به جرمی دارد که با هدف بدست آوردن سود از طریق جز فعالیت‌های تجاری مشروع ارتکاب می‌یابد (Sjogren & Skogh, 2004: 1). برای مشاهده تعاریف بیشتر از جرم اقتصادی ر.ک: شهرام ابراهیمی و مجید صادق‌نژاد نایینی (۱۳۹۲)، «تحلیل جرم‌شناختی جرایم اقتصادی»، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، شماره پنجم؛ سیدمنصور میرسعیدی و محمود زمانی (۱۳۹۲)، «جرم اقتصادی؛ تعریف یا ضابطه؟»، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، شماره چهارم.

بر این اساس، ضرورت‌های اجتماعی و اقتصادی ایجاب می‌کند تا دولت‌ها نسبت به این رفتار بی تفاوت نباشند.

با بررسی نظام حقوقی ایران مشاهده می‌شود که قانونگذار از بدو قانونگذاری جدید (و البته پیش از آن نیز) در قوانین متعددی مانند قانون تشکیل ایالات و ولایات و دستورالعمل حکام مصوب ۱۲۸۶، قانون راجع به جلوگیری از احتکار کالای مورد احتیاج مصوب ۱۳۱۸، قانون راجع به جلوگیری از احتکار مصوب ۱۳۲۰، لایحه قانونی مربوط به منع احتکار قند و شکر مصوب ۱۳۳۸، قانون نظام صنفی مصوب ۱۳۵۰، قانون تشدید مجازات و محتکران و گران‌فروشان مصوب ۱۳۶۷، قانون تعزیرات حکومتی مصوب ۱۳۶۷، قانون مجازات اخلال‌گران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹، قانون نظام صنفی کشور مصوب ۱۳۸۲ و ... به موضوع احتکار پرداخته است. در کشور افغانستان نیز با توجه به اوضاع و احوال این کشور و در جهت حمایت از معیشت مردم، قوانین متعددی راجع به احتکار تصویب شده‌اند. برای نمونه در سال‌های ۱۳۴۴، ۱۳۴۶، ۱۳۶۷، ۱۳۷۴ و ۱۳۹۱ ه.ش قوانینی تحت عنوان قانون منع احتکار تصویب شده‌اند که با تصویب هر یک، قوانین پیش از آن منسوخ شده‌اند. اخیراً نیز قانونگذار این کشور در مواد ۸۰۰ الی ۸۰۴ «کود جزا»ی مصوب ۱۳۹۵ به جرم‌انگاری احتکار پرداخته است. توجه مستمر قانونگذاران کشورهای مذکور به موضوع احتکار، دلالت بر وجود یک دغدغه مستمر در این جوامع و تلاش در جهت رفع آن و در عین حال فقدان کارآمدی کافی در رفع دغدغه مذکور دارد، که همین امر دلالت بر ضرورت انجام تحقیق پیش‌رو دارد.

۱. عناصر احتکار

در تبیین لغوی احتکار بیان شده است که «الْحَكْرُ: ادْخَارُ الطَّعَامِ لِلتَّرْبِصِ، وَ صَاحِبُهُ مُحْتَكِرٌ. ابْنُ سَيِّدَةَ: الْاِحْتِكَارُ جَمْعُ الطَّعَامِ وَ نَحْوِهِ مِمَّا يُؤْكَلُ وَ احْتِبَاسُهُ اَنْتِظَارَ وَقْتِ الْعَلَاءِ بِهِ»، یعنی احتکار انداختن طعام است به انتظار کمبود و گران شدن آن و صاحب آن را محتکر می‌نامند. ابن سیده می‌گوید: احتکار جمع نمودن طعام و مانند آن از مأكولات و حبس آنهاست به انتظار وقت گرانی

(ابن منظور، ۱۴۱۴ هـ ق: ۲۰۸). احتکار در لغت «مصدر باب افتعال از ریشهٔ «حُکره» به معنای ذخیره کردن، انباشتن، انداختن، انبار کردن و جمع آن احتکارات است» (انصاری، ۱۳۸۶: ۱۰۵). در فرهنگ سخن، احتکار به معنای «نگهداری کالا به امید کاهش عرضه، افزایش بهاء و سودجویی بیشتر» و نیز «گردآوردن چیزی بیش از اندازهٔ نیاز» آمده است (انوری، ۱۳۸۲: ۲۶۴). مطابق تعریفی دیگر احتکار «جمع آوری کالاهای بازرگانی به قصد و انتظار نیابی و کمیابی و فروش به قیمت گران» است (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۸: ۱۵). در فرهنگ انگلیسی بلک، احتکار^۱ به معنای «ذخیره و نگهداری کالاها فراتر از نیازهای معقول به جهت قحطی واقعی یا پیش‌بینی شده یا افزایش قیمت‌ها است» (Garner, 2010: 799). با توجه به بیان اهل لغت می‌توان گفت که احتکار از نظر لغت به معنای حبس طعام یا دیگر کالاها به قصد گران‌فروشی است.

در تعریف اصطلاحی مادهٔ ۴ قانون تعزیرات حکومتی مصوب ۱۳۶۷، احتکار بدین شکل تعریف شده است: «احتکار عبارت است از نگهداری کالا به صورت عمدی با تشخیص مراجع ذی‌صلاح و امتناع از عرضهٔ آن به قصد گران‌فروشی یا اضرار به جامعه پس از اعلام ضرورت عرضه توسط دولت». در ادامه نیز مادهٔ ۶۰ قانون نظام صنفی کشور مصوب ۱۳۸۲ مقرر می‌دارد که «احتکار عبارت است از نگهداری کالا به صورت عمدی با تشخیص مراجع ذی‌صلاح و امتناع از عرضهٔ آن به قصد گران‌فروشی یا اضرار به جامعه پس از اعلام ضرورت عرضه از طرف وزارت صنعت، معدن و تجارت یا سایر مراجع قانونی ذی‌ربط». لازم به ذکر است که هر دو تعریف در شرایط کنونی معتبر بوده لیک قلمرو اجرایی آنها متفاوت است، که در ادامه توضیح داده خواهد شد.

قانونگذار افغانستانی نیز در جزء ۲ مادهٔ ۲ قانون منع احتکار مصوب ۱۳۹۱ در تعریف احتکار بیان داشته است: «احتکار: پنهان کردن یا امتناع از عرضهٔ موادّ اولیّهٔ مورد احتیاج عادی به مقصد سودجویی بیشتر و فروش به نرخ بلندتر از قیمت رقابتی، به گونه‌ای که منجر به کمبود موادّ اولیّه و افزایش قیمت در بازار گردد». فقرهٔ ۱ مادهٔ ۸۰۰ «کود جزا» نیز در مقام تبیین

1. Hoard.

احتکار بیان می‌دارد که «شخصی که به مقصد سودجویی بیشتر یا فروش به نرخ بلندتر از قیمت رقابتی، مواد اولیه ارتزاقی و مصرفی مورد نیاز عامه را پنهان کند یا از عرضه مواد مذکور امتناع ورزد یا مانع عرضه آن توسط سایر اشخاص گردد، مشروط بر اینکه مواد احتکار شده منجر به کمبود مواد اولیه و افزایش قیمت‌ها در بازار شود، مرتکب جرم احتکار شناخته شده مطابق احکام این فصل مجازات می‌گردد». احتکار مانند جرایم دیگر می‌تواند از منظر عناصر سه‌گانه بررسی شود.^۱

۱-۱. عنصر قانونی

در نظام حقوقی ایران احتکار در حالت عادی تخلف محسوب و برای آن مجازات اداری پیش‌بینی شده است. به موجب ماده ۴ قانون تعزیرات حکومتی مصوب ۱۳۶۷ احتکار نسبت به اشخاص غیرصنفاً و به موجب ماده ۶۰ قانون نظام صنفی کشور نسبت به اشخاص صنفی تخلف‌انگاری شده است. علاوه بر این، احتکار در صورتی که موجب اخلال در امر توزیع مایحتاج عمومی گردد به موجب ماده ۱ قانون مجازات اخلالگران در نظام اقتصادی کشور جرم تلقی گردیده و حسب نتایج مترتب بر آن به موجب مقررات این قانون قابل مجازات است. در قانون منع احتکار مصوب ۱۳۹۱ افغانستان قانونگذار، بی‌آنکه عنوانی از تخلف ذکر نماید، اقدام به ممنوعیت احتکار و پیش‌بینی پاسخ اداری به آن نموده است. به موجب فقره ۱ ماده ۶ قانون مذکور «کمیسیون مکلف است، بعد از تثبیت و دست‌یابی مواد احتکار شده، مواد مذکور را حداکثر در خلال مدت (۴۸) ساعت بعد از تعیین قیمت عادلانه آن با حضور داشت مالک یا نماینده قانونی وی به بازار عرضه نماید». به موجب فقره ۲ نیز پیش‌بینی شده است که «جوهری که از فروش مواد احتکار شده مندرج فقره (۱) این ماده حاصل می‌گردد، بار

۱. هرچند نگارندگان نیز با این نظر که «رابطه بین عنصر قانونی و دو عنصر مادی و روانی یک رابطه طولی است نه عرضی، و بدین ترتیب، بحث از عنصر قانونی به طور مجزای از عناصر مادی و روانی موضوعیت ندارد» (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۷: ۵۸) موافق هستند، به رسم مرسوم عنصر قانونی نیز در عرض دیگر عناصر بررسی شده است.

اول بعد از وضع مصارف (۵۰) فیصد آن به حساب واردات دولت تحویل بانک و (۵۰) فیصد دیگر آن به مالک یا نماینده قانونی وی داده می‌شود. در صورت تکرار پول حاصل فروش بحیث مجازات نقدی مطابق احکام قانون به دولت تعلق می‌گیرد. بر این اساس، با توجه به اینکه از یک سو، قانونگذار افغانستان از ضمانت اجرای فروش کالای موضوع احتکار توسط کمیسیون مرکزی مبارزه علیه احتکار (و نه مراجع قضایی) بهره برده و از سوی دیگر ضمانت اجرای پیش‌بینی شده حسب مورد لحاظ ۵۰ و یا ۱۰۰ درصد مبلغ حاصل از فروش برای دولت است، می‌توان به این نتیجه رسید که در قانون مذکور احتکار تخلف محسوب می‌شود.

با تصویب «کود جزای» افغانستان در سال ۱۳۹۵ و رویکردی که قانون اخیر در جهت تجمیع جرایم و مجازات‌ها در قالب کد واحد قانونی داشت، قانونگذار افغانستانی، بی‌آنکه اشاره‌ای به نسخ احکام مندرج در قانون منع احتکار نماید، در ضمن مواد ۸۰۰ الی ۸۰۴ اقدام به جرم‌انگاری احتکار نمود. با توجه به اینکه در این قانون مطلق احتکار جرم تلقی می‌شود ولی به موجب ماده ۸۰۱ پاسخدهی اداری به احتکار نیز مشابه قانون منع احتکار پذیرفته شده است، می‌بایست قائل به بقای قانون منع احتکار بود، هرچند این نظر موجب تعارضاتی می‌شود که در ادامه بررسی خواهد شد.

به موجب فقره ۱ ماده ۸۰۰ «کود جزا» «شخصی که به مقصد سودجویی بیشتر یا فروش به نرخ بلندتر از قیمت رقابتی، مواد اولیه ارتزاقی و مصرفی مورد نیاز عامه را پنهان کند یا از عرضه مواد مذکور امتناع ورزد یا مانع عرضه آن توسط سایر اشخاص گردد، مشروط بر اینکه مواد احتکار شده منجر به کمبود مواد اولیه و افزایش قیمت‌ها در بازار شود، مرتکب جرم احتکار شناخته شده، مطابق احکام این فصل مجازات می‌گردد». علاوه بر این قانونگذار افغانستانی در ماده ۸۰۳ «کود جزا» مواردی را در حکم احتکار دانسته لیک برای آن مجازاتی متفاوت با احتکار در نظر گرفته است.

۲-۱. عنصر مادی

با توجه به گستردگی و تنوع مباحث مربوط به عنصر مادی جرم احکام، با الگوگیری از شیوه رایج در نظام حقوقی کامن‌لا، در ادامه مباحث مربوط به عنصر مادی با سه عنوان «رفتار»، «شرایط»، «اوضاع و احوال» و «نتیجه» بررسی می‌شوند.

۱-۲-۱. رفتار

با توجه به تعریف احکام در ماده ۴ قانون تعزیرات حکومتی و نیز ماده ۶۰ قانون نظام صنفی کشور رفتار جرم احکام مشتمل بر «نگهداری» کالا و «امتناع از عرضه» آن است و با تحقق هر دو رفتار احکام محقق می‌گردد (ساک، ۱۳۹۶: ۲۸۰). به تعبیر دیگر، نگهداری کالا باید حتماً به همراه امتناع از فروش صورت پذیرد. بنابراین، چنانچه کالایی در انبار نگهداری شود لیک فروشنده هر زمان که مورد تقاضای مصرف‌کننده باشد آن را در اختیار خریدار قرار دهد، تخلف احکام محقق نمی‌گردد (موسوی، ۱۳۹۷: ۷۲). مطابق این تعبیر می‌توان احکام را مرکب دانست. البته می‌توان به تعبیر دقیق‌تر احکام را جرم ساده مبتنی بر امتناع از عرضه دانست و بدیهی است شخص زمانی می‌تواند مکلف به عرضه بشود که اساساً کالایی را برای عرضه در اختیار داشته باشد. بر این اساس، می‌توان احکام را جرمی ساده و مستمر دانست، بدین معنا که تا زمانی که کالای در اختیار خود را عرضه ننموده ارتکاب جرم استمرار دارد.

به موجب جزء ۲ ماده ۲ قانون منع احکام افغانستان رفتارهای موجب تحقق احکام شامل «پنهان کردن» و یا «امتناع از عرضه» مواد اولیه مورد احتیاج مردم است لیک به موجب فقره ۱ ماده ۸۰۰ کد جزای افغانستان دامنه رفتارهای موجب تحقق احکام مشتمل بر «پنهان نمودن»، «امتناع از عرضه» و یا «ممانعت از عرضه» مواد اولیه ارتزاقی و مصرفی است. بر این اساس، احکام در نظام حقوقی افغانستان جرم ساده (نه مرکب) است و با تحقق هر یک از مصادیق رفتارهای مذکور جرم احکام محقق می‌گردد.

در مقام مقایسه بین مصادیق رفتارهای احتکار ملاحظه می‌شود که «امتناع از عرضه» در هر دو نظام حقوقی موجب تحقق احتکار می‌گردد لیک در نظام حقوقی افغانستان «پنهان نمودن» و «ممانعت از عرضه» مواد اولیّه ارتزاقی و مصرفی نیز تحت عنوان احتکار جرم‌انگاری شده است. «پنهان نمودن» کالا عنواناً به موجب تخلف «اخفاء و امتناع از عرضه» در ماده ۷ قانون تعزیرات حکومتی ایران نیز تخلف‌انگاری شده است. اما با توجه در ماده مذکور می‌توان پی برد که هر چند در عنوان تخلف از واژه «اخفاء» استفاده شده است، در این مورد نیز مانند تخلف احتکار رفتار مرتکب همان «خودداری از عرضه کالا» است و تفاوت «احتکار» و «اخفاء و امتناع از عرضه» را می‌بایست در دیگر اجزای عنصر مادی دانست.

قانونگذار افغانستانی در ماده ۸۰۳ «کود جزا» مواردی را نیز در حکم احتکار دانسته است. «ارتکاب یکی از اعمال ذیل بمنظور افزایش قیمت در بازار در حکم احتکار شناخته شده، مرتکب به جزای نقدی از پنج هزار تا سی هزار افغانی، محکوم می‌گردد: ۱- شخصی که به تجارت یا عرضه مواد اولیّه به صورت پرچون [خرده‌فروشی] اشتغال دارد و مواد اولیّه مربوطه را در غیر از محلات معینه ذخیره نماید. ۲- شخصی که به صورت عمده به خرید و فروش مواد اولیّه اشتغال دارد، حداکثر در خلال ده روز از تاریخ اعلان، مواد مذکور را به بازار عرضه نکند». پیش از این قانونگذار افغانستان رفتارهای مذکور را به استناد اجزای ۱ و ۲ ماده ۷ قانون منع احتکار، تحت عنوان «احتکار» منع نموده بود لیک قانونگذار با عدول از دیدگاه سابق خود در «کود جزا» آنها را تحت عنوان «در حکم احتکار» جرم‌انگاری نموده و برای آن مجازاتی متفاوت از احتکار در نظر گرفته است. بر این اساس، «ذخیره نمودن» کالا تحت شرایطی تحت عنوان جرم در حکم احتکار قابل مجازات است. «عدم عرضه» (مقرر در جزء ۲ ماده ۸۰۳) که همان «امتناع از عرضه» (مقرر در ماده ۸۰۰) است نیز حسب مورد تحت عنوان جرم احتکار و یا جرم در حکم احتکار قابل مجازات است.

قانونگذار افغانستان علاوه بر موارد مذکور به موجب اجزای ۳ و ۴ ماده ۷ قانون منع احتکار نیز مواردی را احتکار دانسته است: «۳- پیشه‌ورانی که جهت تولیدات خویش از ادارات یا سایر

مراجع دولتی موادّ اولیّه را اخذ می‌دارند، در صورتی که دستگاه تولیدی آنها عملاً بدون عذر موجّه فعّال نباشد و سهمیه موادّ اولیّه را از آن منابع اخذ نموده باشند، موادّ اولیّه موجود در گدام‌های [انبارهای] آنها احتکار شمرده می‌شود. ۴- خبّازانی که در دگان خبّازی خویش آرد توزیع شده از طرف ادارات و سایر مراجع دولتی را پنهان کرده و به پخت نان پردازند، محتکر شناخته می‌شوند. سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود آن است که آیا مصادیق مذکور نیز مشمول مجازات کیفری احتکار می‌شوند یا نه؟ این ابهام از آن روست که از یک سو قانونگذار افغانستان رفتارهای مرتکب را احتکار و مرتکب آن را محتکر دانسته و به موجب «کود جزا» برای احتکار مجازات پیش‌بینی نموده است و از سوی دیگر رفتارهای مذکور لزوماً مشمول احتکار مقررّ در ماده ۸۰۰ «کود جزا» نمی‌شوند. ممکن است گفته شود که تعارضی بین این دو امر وجود ندارد و می‌توان گفت که با توجّه به صدق عنوان احتکار بر آنها امکان تسری احکام کیفری احتکار به آنها نیز وجود دارد لیک تردیدی که در این زمینه وجود دارد ناشی از آن است که به موجب ماده ۲۷ «کود جزای» افغانستان که در مقام تعریف جرم است، «جرم، ارتکاب عملی است که مطابق احکام این قانون جرم شناخته شده (...) و برای آن مجازات یا تدابیر تأمینی تعیین گردیده باشد». تفاوتی که بین این ماده با ماده ۲ قانون مجازات اسلامی ایران وجود دارد آن است که در ماده ۲ مهمّ آن است که رفتاری به موجب قانون جرم‌انگاری شده و متعاقباً برای آن کیفرگزاری شده باشد و مهمّ نیست که مستند جرم‌انگاری و کیفرگذاری، قانون مجازات اسلامی یا هر قانون دیگری باشد ولی تدوین‌کنندگان کود جزای افغانستان در صدد تجمیع جرایم و مجازات‌ها در ذیل یک کد جزایی واحد بودند و از این رو در ماده ۲۷ و موادّ متعدّد دیگر قانون به جای عبارت «قانون» از عبارت «این قانون» استفاده شده است. با توجّه به این نکته ممکن است گفته شود که مصادیق احتکار مذکور در فقرات ۳ و ۴ ماده ۷ قانون منع احتکار، هرچند به لحاظ پاسخدهی اداری احتکار محسوب می‌شوند، مشمول مجازات کیفری احتکار نمی‌شوند. از سوی دیگر فقره ۲ ماده ۹۱۶ «کود جزا» ضمن احصای قوانین منسوخ به موجب «کود جزا» در جزء ۳۴ بیان می‌دارد که «احکام جزائی سایر قوانین که با حکمی از احکامی این قانون در مغایرت قرار



داشته باشد». بر این اساس صرفاً مقررات کیفری مغایر با احکام «کود جزا» منسوخ هستند و به صورت ضمنی قانونگذار افغانستان پذیرفته است که برخلاف احکام موادی مانند ماده ۲۷ «کود جزا» امکان جرم‌انگاری در خارج از «کود جزا» نیز وجود دارد و در نتیجه با توجه به صدق عنوان احتکار بر مصادیق رفتاری مقرر در فقرات ۳ و ۴ ماده ۷ قانون منع احتکار، اعمال مذکور نیز جرم تلقی می‌شوند.

علاوه بر رفتارهای فوق در فقرة ۴ ماده ۸۰۴ «کود جزا» قانونگذار افغانستان در ذیل عنوان «حالت مشدّد جرم احتکار» «فراهم نمودن زمینه احتکار» توسط اشخاص مقرر در آن را نیز تحت عنوان احتکار مشدّد جرم‌انگاری نموده است. عبارت «زمینه احتکار را فراهم سازد» معنای عامی دارد و می‌توان اقداماتی را که ماهیتاً شروع یا معاونت در احتکار هستند مشمول آن دانست و از جهت احتکار مشدّد مجازات نمود.

۱-۲-۲. شرایط، اوضاع و احوال

کالاهای موضوع احتکار. برخی از فقها به استناد روایاتی که وجود دارند موضوع احتکار را محدود به کالاهای خاصی دانسته‌اند. در این راستا از امام صادق (ع) نقل شده است که فرمود: «ليس الحكرة إلا في الحنطة والشعير و التمر و الزبيب و السمن»، یعنی احتکار جز در گندم و جو و خرما و کشمش و روغن نیست (أبی جعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق الکلینی الرازی، ۱۳۶۷: ۱۶۴). بر این اساس، برخی از فقها حرمت احتکار را ناظر به کالاهای مذکور در روایات دانسته‌اند. «غذاهای موضوع احتکار عبارتند از: گندم، جو، خرما، کشمش، نمک و روغن» (شیخ طوسی، ۱۳۸۷: ۱۹۵). «اقوی این است که احتکار صرفاً در غلات چهارگانه (گندم، جو، خرما و کشمش) و کره و روغن زیتون محقق می‌شود» (الموسوی الخمینی، ۱۳۹۰، ۵۰۲). با ملاحظه سوابق تقنینی احتکار در نظام حقوقی ایران ملاحظه می‌گردد که در مواردی قانونگذار از این دیدگاه تبعیت نموده است (ر.ک: ماده ۱ قانون تشدید مجازات محتکران و گران‌فروشان). مشابه این دیدگاه در نزد برخی از فقهای حنفی نیز وجود دارد، چنانکه در تعریف احتکار بیان کرده‌اند که «حبس

الأقوات متریبصاً للغلاء» (وهبه بن مصطفى الزحیلی، بی تا: ۲۶۹۱) و آنگونه که در ادامه توضیح داده خواهد شد، تقریباً همین دیدگاه توسط قانونگذار افغانستان اتخاذ شده است. در مقابل، برخی دیگر از فقها بر این نظر هستند که: «از کلمات اهل لغت مشخص است که مفاد کلمه احتکار بر حسب ریشه و وضع آن شامل جمع آوری کالای مورد احتیاج مردم و ظلم به مردم از طریق منع مردم از آن کالا است و این امر ملازمه با لجاجت و ظلم و بدرفتاری است (...). و به هر حال بر حسب مفهوم احتکار عام بوده و شامل هر چیزی که مردم به آن احتیاج دارند و منع از آن موجب ظلم و نقصان باشد می گردد و مختص به طعام ندارد و اضافه نمودن طعام به احتکار از بابت مثال بوده چرا که طعام از احتیاجات مبرهن است» (منتظری، ۱۴۱۵: ۶۱۴).

انحصار احکام احتکار به اقلام خاص نمی تواند تأمین گر مصالح جامعه در جریان تحولات اجتماع باشد، چرا که نخست، چه بسا تعیین مصادیق خاص در روایات و به تبع آن در احکام فقهی ناظر به مصادیق شمول احتکار در زمان صدور آنها باشد و در شرایط کنونی با توجه به تغییر الگوی مصرف چه بسا احتکار کالاهای مذکور موجب عسر و حرج جامعه نشود و دوّم، ممکن است در شرایط کنونی جامعه کالاهای دیگری دارای چنان اهمیتی باشند که احتکار آنها موجب عسر و حرج جامعه گردد و توجه به همین ملاحظات بود که در نظام حقوقی ایران با فاصله چند ماه بعد از تصویب قانون تشدید مجازات محتکران و گران فروشان، قانون تعزیرات حکومتی از دیدگاه فقهی دوّم تبعیت نموده و احتکار را ناظر به اقلام خاص ندانست.

موضوع احتکار در نظام حقوقی ایران مطلق کالا است و شرطی که برای تقیید آن وجود دارد آن است که برای تحقق احتکار ضروری است که ضرورت عرضه آن کالا توسط دولت (به موجب ماده ۴ قانون تعزیرات حکومتی) و یا وزارت صنعت، معدن و تجارت و یا سایر مراجع قانونی ذی ربط (به استناد ماده ۶۰ قانون نظام صنفی کشور) اعلام شده باشد و تا زمانی که اعلام ضرورت عرضه کالا توسط مراجع مربوط صورت نگرفته است، امکان تحقق احتکار وجود ندارد و همین موضوع می تواند دلالتی بر نقش قوه مجریه در جرم انگاری احتکار باشد.

برخلاف نظام حقوقی ایران، موضوع احتکار در فقره ۱ ماده ۸۰۰ «کود جزای» افغانستان محدود به «مواد اولیه ارتزاقی و مصرفی مورد نیاز عامه» است که به موجب فقره ۲ این ماده «به مقصد این ماده، مواد اولیه مصرفی و ارتزاقی مورد نیاز عامه عبارت از گندم، آرد، برنج، شکر، روغن‌های غذایی و مواد محروقاتی نفتی و گاز مایع می‌باشد». مشابه همین تعریف در جزء ۱ از ماده ۲ قانون منع احتکار نیز با اندکی تغییر در عبارات ذکر شده است. مصادیق مواد اولیه و مصرفی مذکور در مستندات فوق جنبه احصایی داشته و از این رو امکان تسری آن به دیگر موارد وجود ندارد.

با لحاظ مباحث فوق می‌توان گفت که در نظام حقوقی ایران قانونگذار موضوع احتکار را با تعیین ضابطه‌ای عام که مصادیق آن با تصمیم‌گیری قوه مجریه مشخص می‌شود تعیین نموده است. لیک در نظام حقوقی افغانستان مصادیق کالاهایی که امکان تحقق احتکار در خصوص آنها وجود دارد در خود قانون احصاء شده است. مزیت روش نخست در آن است که متناسب با شرایط متغیر اقتصادی جامعه می‌توان بدون طی تشریفات طولانی قانونگذاری نسبت به تنظیم بازار اقدام نمود ولی در مقابل دارای نقایصی نیز است. ابهام در نحوه اعلام ضرورت عرضه کالا که می‌تواند منتهی به نقض اصل قانونی بودن جرایم و تخلفات گردد از یک سو و تصمیم‌گیری‌های عجولانه قوه مجریه و در نتیجه به مخاطره افتادن امنیت فعالیت‌های اقتصادی در جامعه از دیگر سو از نقایص این شیوه هستند. رعایت اصل قانونی بودن جرایم نیز هرچند از مزیت‌های شیوه دوم است، عدم امکان لحاظ شرایط متغیر اقتصادی از معایب اصلی آن است.

نقد مهمی که می‌توان به مصادیق کالاهای موضوع احتکار در نظام حقوقی افغانستان وارد دانست آن است که مصادیق کالاهای مذکور به عنوان کالاهای موضوع احتکار نمی‌تواند صیانت کافی را از امنیت اقتصادی داشته باشد و بی‌شک کالاهای مهم دیگری که گاه اهمیت آنها از مواد مذکور نیز بیشتر است (مانند دارو) مورد غفلت قرار گرفته است.

عمده بودن کالاهای موضوع احتکار. یکی دیگر از شرایط تحقق احتکار آن است که کالاهای موضوع جرم عمده باشند. این موضوع به صراحت در ماده ۴ قانون تعزیرات حکومتی

و ماده ۶۰ قانون نظام صنفی کشور تصریح گردیده و تحقق جرم منوط به «تشخیص مرجع ذی صلاح» است. در اینکه منظور از مرجع ذی صلاح چه مرجعی است دو احتمال قابل تصور است: نخست آنکه منظور مرجع رسیدگی کننده به اتهام است که بر حسب معیارهای عرفی عمده بودن کالا را تشخیص می دهد و دوم آنکه منظور همان مرجعی است که ضرورت عرضه کالا را اعلام می نماید، اما آنچه می تواند موجب شگفتی باشد آن است که حتی با لحاظ مبلغ تعدیل شده مذکور در تبصره ۲ ماده ۷۲ قانون نظام صنفی کشور، ممکن است که احتکار در خصوص کالاهایی با ارزش تا ۴/۴۹۰/۰۰۰ ریال نیز صدق نماید که در این صورت مرجع رسیدگی به آن شعب تعزیرات حکومتی و در مبالغ بیش از آن در صلاحیت هیئت رسیدگی به تخلفات صنفی است.

در ماده ۸۰۰ «کود جزای» افغانستان به عمده بودن کالاهای موضوع احتکار اشاره ای نشده است لیک جزء ۳ ماده ۲ قانون منع احتکار به معیار ذخیره مجاز اشاره می کند. «معیار ذخیره مجاز: مواد اولیه که ذخیره و امتناع از عرضه آن در حالات مندرج جزء (۲) این ماده مجاز می باشد». معیار ذخیره مجاز در واقع اشاره به میزانی از کالا دارد که ارتکاب مصادیق رفتاری احتکار در خصوص آنها موجب تحقق احتکار نیست، که به استناد بند ۴ ماده ۴ قانون مذکور «تثبیت معیار ذخیره مجاز برای هر خانواده در حالات قحطی، صعود قیم و حوادث غیر مترقبه» از وظایف کمیسیون مرکزی مبارزه علیه احتکار است. نتیجه آنکه ارتکاب هر یک از رفتارهای موضوع احتکار در صورتی که موضوع آن در چارچوب میزان ذخیره مجاز باشد، از شمول احتکار خارج بوده و از این جهت قابل مجازات نیست.

۱-۲-۳. نتیجه

در نظام حقوقی ایران در جرم احتکار عادی تحقق نتیجه شرط نیست و صرف ارتکاب رفتار برای تحقق آن کفایت می نماید و از این رو می توان آن را جرمی مطلق دانست. با وجود آنکه در ماده ۴ قانون تعزیرات حکومتی و ماده ۶۰ قانون نظام صنفی کشور به «قصد گران فروشی یا اضرار

به جامعه» تصریح گردیده است، تحقق احتکار منوط به تحقق آنها نیست. البته اگر احتکار منتهی به اخلال در نظام اقتصادی کشور شود موضوع مشمول قانون مجازات اخلال گران در نظام اقتصادی کشور شده و مرتکب حسب حالات مختلف مقرر در آن قانون قابل مجازات هستند. علاوه بر این، ممکن است احتکار کالاها در مواردی منتهی به اخلال در رقابت شود که در این صورت در صورت احراز روئیه ضد رقابتی توسط شورای رقابت، موضوع مشمول مواد ۴۵ و ۶۱ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی قرار گرفته و مرتکب حسب مورد به یک یا چند مورد از ضمانت اجراهای مقرر در ماده ۶۱ قانون مذکور محکوم می‌شود.

برخلاف نظام حقوقی ایران در نظام حقوقی افغانستان احتکار جرم مقید به نتیجه محسوب می‌شود. به موجب ماده ۳۵ «کود جزای» افغانستان «نتیجه جرم عبارت از محصول عمل جرمی است که از اثر ارتکاب فعل جرمی یا امتناع از اجرای فعل قانونی به وجود می‌آید». به موجب فقره ۱ ماده ۸۰۰ «کود جزا» ارتکاب رفتارهای موضوع احتکار در صورتی سبب تحقق احتکار می‌گردد که «مواد احتکار شده منجر به کمبود مواد اولیه و افزایش قیمت‌ها در بازار شود». بر این اساس، منتهی شدن رفتار مرتکب به «کمبود مواد اولیه در بازار» و یا «افزایش قیمت مواد اولیه در بازار» شرط تحقق جرم احتکار است. مشابه همین نتایج در تعریف مقرر برای احتکار در جزء ۲ ماده ۲ قانون منع احتکار نیز با اندکی تفاوت در عبارات پیش‌بینی شده است.

برخلاف جرم احتکار، جرایم در حکم احتکار مقرر در ماده ۸۰۳ «کود جزا» مطلق هستند و صرف «ذخیره نمودن مواد اولیه در غیر محلات معینه توسط اشخاص خرده‌فروش» و «عدم عرضه مواد اولیه ظرف مهلت ۱۰ روز از تاریخ اعلان ضرورت عرضه توسط اشخاص عمده‌فروش» جرم تلقی شده و نیازی به تحقق نتیجه خاصی ندارند و از همین روست که قانونگذار برای جرایم مذکور در ماده ۸۰۳ «کود جزا» در مقایسه با احتکار مقرر در ماده ۸۰۰ «کود جزا» مجازات خفیف‌تری در نظر گرفته است.

۳-۱. عنصر روانی

احکام از جرایم عمدی است و برخلاف بسیاری از تخلفات مقرر در قانون تعزیرات حکومتی و قانون نظام صنفی کشور که قانونگذار متعرض عنصر روانی آنها نشده است، در خصوص احکام قانونگذار به صراحت به موضوع عنصر روانی آن اشاره نموده است. با توجه به عبارت «به قصد گران فروشی یا اضرار به جامعه» در تعاریف مقرر در ماده ۴ قانون تعزیرات حکومتی و ماده ۶۰ قانون نظام صنفی کشور مشخص می شود که احکام تخلفی عمدی است و از این رو با وحدت ملاک از ماده ۱۴۴ قانون مجازات اسلامی می توان گفت که برای تحقق احکام علاوه بر علم مرتکب به موضوع احکام، قصد او در ارتکاب رفتار نگهداری و امتناع از عرضه نیز شرط است. با توجه به اینکه احکام در خصوص کالاهایی صدق می نماید که ضرورت عرضه آنها توسط مراجع ذی ربط اعلام شده است، در نتیجه برای تحقق عنصر روانی احکام علم مرتکب به اعلام ضرورت عرضه توسط مراجع ذی ربط نیز ضروری است.

جرم احکام در حقوق افغانستان نیز جرمی عمدی است، چراکه به استناد ماده ۸۰۰ کود جزا و جزء ۲ از ماده ۲ قانون منع احکام رفتار مرتکب می بایست به قصد «سودجویی بیشتر» و یا «فروش به نرخ بیشتر از قیمت رقابتی» باشد که تحقق یکی از آنها برای تحقق احکام کفایت می نماید. در خصوص جرایم در حکم احکام نیز با توجه به عبارت «بمنظور افزایش قیمت در بازار» مقرر در ماده ۸۰۳ می توان گفت که این جرایم نیز عمدی هستند.

۲. پاسخدهی

یک جامعه هر چند به همه رفتارهای فاصله گیر از هنجارها پاسخ نمی دهد، همواره به بعضی از آنها پاسخ می دهد، چراکه در غیر این صورت خطر اضمحلال و محو آن جامعه وجود دارد (دلما - مارتی، ۱۳۹۳: ۱۲۶). با توجه به آثار زیانبار احکام بر نظام اقتصادی جامعه ضرورت پاسخدهی به آن قابل انکار نیست لیک موضوع بااهمیت در نحوه پاسخدهی متناسب با این جرم با توجه به خصایص خاص آن است که می تواند سبب طرح سیاست جنایی افتراقی نسبت به آن

شود. موضوعی که کمابیش در سیاست‌های اتخاذی قانونگذاران کشورهای ایران و افغانستان نیز مشهود است.

۱-۲. پاسخ‌های غیر کیفری

تمایل به انحصار طلبی و گسترش قلمرو مداخله توسط دولت‌های مدرن، در ارائه پاسخ‌های واکنشی نسبت به بزهکاری، منتهی به گسترش قلمرو کیفری و تورم قوانین کیفری شده است، امری که امروزه یکی از مهم‌ترین معضلات نظام‌های حقوق کیفری در کشورهای مختلف بوده و به دنبال خود ناکارآمدی نظام‌های پاسخدهی دولتی به بزهکاری را به دنبال داشته است. اگر در ابتدای دوران مدرنیته دولت‌ها در صدد بسط قلمرو مداخله خود بودند، در دهه‌های اخیر این رویه معکوس شده است و دولت‌ها به انحاء مختلف به موجب قوانین یا رویه‌های عملی سعی در تمرکز فعالیت‌های خود بر جرایم دارای اولویت و اهمیت نموده و در جرایم با اولویت و اهمیت کمتر دولت‌ها در صدد بهره‌گیری از ظرفیت‌های جامعه مدنی در پاسخدهی به بزهکاری هستند. در موارد پاسخدهی دولتی نیز تلاش بر این است که میزان بهره‌گیری از پاسخ‌های کیفری مراجع قضایی کاهش و در مقابل پاسخ‌های غیر کیفری مراجع اداری افزایش یابد. در این راستا اتخاذ سیاست‌های انحراف از نظام عدالت کیفری جزو اولویت دولت‌ها قرار گرفته است. «جرم‌زدایی»^۱ «کیفرزدایی»^۲ و «قضازدایی»^۳ از جمله راهبردهای مورد استفاده توسط دولت‌ها در این زمینه هستند؛ هر یک از این راهبردها تعریف خاص خود را داشته و البته هم‌پوشانی‌هایی نیز با یکدیگر دارند (نجفی ابرندآبادی و بیکی، ۱۳۹۳: ۹۰-۹۱ و ۱۳۶-۱۳۷).

در قانون تشدید مجازات محترکان و گران‌فروشان، قانونگذار اقدام به جرم‌انگاری احتکار نموده و به موجب مواد ۲ و ۳ قانون مذکور برای محترک و شخص در حکم محترک با رعایت امکانات و شرایط خاطی و دفعات و مراتب جرم و مراتب تأدیب مجازاتی از دو برابر تا ده برابر

1. Decriminalization.
2. Depenalization.
3. Diversion.

قیمت کالای احتکار شده و شلّاق تا ۷۴ ضربه پیش‌بینی شده بود. با توجه به ناکارآمدی این سیاست کیفری در عمل، با تصویب قانون تعزیرات حکومتی در ۱۳۶۷/۱۲/۲۳ و ماده واحده قانون اصلاح قانون تعزیرات حکومتی مصوب ۱۳۶۷/۱۲/۲۳ مجمع تشخیص مصلحت نظام در تاریخ ۱۳۷۳/۰۷/۱۹ قانونگذار پاسخدهی اداری را در اولویت قرار داده و پاسخدهی کیفری محدود به موارد خاص گردید. همین موضوع بعدها با اندکی تفاوت در قانون نظام صنفی کشور مصوب ۱۳۸۲ و اصلاحات بعدی آن نیز ملاحظه می‌شود. بر این اساس، پاسخدهی به احتکار تحت عنوان تخلف به شعب تعزیرات حکومتی و هیئت‌های رسیدگی به تخلفات صنفی موضوع تبصره ۲ ماده ۷۲ قانون نظام صنفی کشور واگذار گردید. از این رو، در صورتی که ارتکاب احتکار توسط اشخاص غیرصنّفی باشد و یا توسط اشخاص صنفی ولی میزان ارزش آن کمتر از نصاب مقرر در تبصره ۲ ماده ۷۲ قانون نظام صنفی کشور باشد، رسیدگی بر عهده شعب تعزیرات حکومتی است و در غیر آن بر عهده هیئت‌های رسیدگی به تخلفات صنفی است. البته واگذاری صلاحیت رسیدگی به احتکار به مراجع اداری به معنای نفی صلاحیت مطلق مراجع قضایی نیست، چراکه عموماً صلاحیت نظارت دیوان عدالت اداری بر آرای قطعی صادره از مراجع اداری شامل مراجع مذکور نیز می‌شود.

ضمانت اجراهای اداری مقرر برای مرتکبان احتکار نیز شامل مواردی چون الزام به فروش کالا، فروش کالا توسط دولت، جریمه نقدی، قطع تمام یا قسمتی از سهمیه و خدمات دولتی، نصب پارچه در محل واحد به عنوان محتکر، تعطیلی موقت محل کسب، لغو پروانه واحد و معرفی از طریق رسانه‌های گروهی به عنوان محتکر است که بسته به عواملی چون شخصیت مرتکب و تعداد دفعات تکرار ارتکاب در طول بازه‌های زمانی مشخص شده توسط قانون تعیین می‌گردد. در اینجا می‌بایست متذکر گردید که بین «الزام به فروش» و «فروش توسط دولت» تفاوت وجود دارد. در حالت نخست مرجع اجرای حکم خود محتکر را ملزم به فروش کالای احتکار شده می‌نماید و بدیهی است که محتکر در تعیین قیمت فروش مختار است و البته بدیهی است که با توجه به الزام محتکر برای فروش، او نمی‌تواند کالا را به قیمتی عرضه نماید که عملاً خریداری

برای آن وجود نداشته باشد. در «فروش توسط دولت» از آنجا که مرجع اجرای حکم خود اقدام به فروش کالا می‌نماید، بدیهی است که قیمت و شرایط فروش نیز توسط مرجع اجرای حکم تعیین می‌شود. علت اتخاذ این دو نوع ضمانت اجراء در آن است که در فقه بین فقها اختلاف نظر وجود دارد. برخی از فقها بر این نظر هستند که «امام و نائب امام حق تعیین نرخ را ندارند و در این خصوص فرقی در تعیین نرخ در حالت گرانی و یا ارزانی وجود ندارد» (ابی جعفر محمد بن الحسن بن علی شیخ الطوسی، ۱۳۸۷: ۱۹۵). شاید به همین علت در قانون تعزیرات حکومتی و نیز در قانون نظام صنفی کشور به «الزام به فروش کالا» اشاره گردیده است، یعنی صاحب کالا را ملزم می‌کنند که کالاهای احتکارشده را خود در بازار به فروش برساند، نه اینکه دولت خود کالای احتکارشده را به فروش رساند و برای آن قیمت تعیین نماید. ولی در «فروش کالا توسط دولت» دولت خود کالای احتکارشده را به فروش رسانده و برای آن قیمت تعیین می‌نماید. در این خصوص برخی از فقها هر چند تسعیر را ابتدائاً نپذیرفته‌اند، تحت شرایطی آن را پذیرفته‌اند: «نرخ‌گذاری برای کالا در آغاز کار جایز نیست. آری در صورتی که محتکر اجحاف و گران‌فروشی نماید، حاکم او را مجبور به پائین آوردن قیمت می‌کند و اگر نپذیرفت او را وادار می‌کند تا کالا را به نرخ بازار بفروشد یا حاکم چنانچه مصلحت بداند برای او نرخ تعیین می‌کند و تعیین نرخ در این صورت با آنچه در عدم جواز نرخ‌گذاری گفته شده و در حدیث آمده منافات ندارد؛ زیرا دلیل عدم جواز نرخ‌گذاری از مانند این مورد انصراف دارد چراکه اجتناب از تعیین نرخ در این گونه موارد چه بسا موجب ادامه احتکار و وارد شدن ظلم و اجحاف به جامعه شود» (الموسوی الخمینی، ۱۴۱۰، ۴۱۶ و ۴۱۷).

به نظر می‌آید که تفاوت موجود بین مرتبه نخست و مراتب بعدی احتکار در ماده ۴ قانون تعزیرات حکومتی برگرفته از این دیدگاه فقهی باشد. اما نکته مهم آن است که تبعیت قانون تعزیرات حکومتی و قانون نظام صنفی کشور از دو دیدگاه متفاوت فقهی مختلف در خصوص موضوع واحد محل اشکال است و توجیه منطقی برای تفاوت در مجازات اشخاص صنفی و غیرصنفی از این حیث وجود ندارد.

در نظام حقوقی افغانستان نیز قانونگذار در قانون منع احتکار ۱۳۹۱ اقدام به پیش‌بینی پاسخ اداری برای احتکار نموده است. به موجب فقره ۱ ماده ۶ این قانون «کمیسیون مکلف است، بعد از تثبیت و دست‌یابی مواد احتکارشده، مواد مذکور را حداکثر در خلال مدت (۴۸) ساعت بعد از تعیین قیمت عادلانه آن با حضور داشت مالک یا نماینده قانونی وی به بازار عرضه نماید». بر این اساس، اتخاذ تصمیم در خصوص تحقق و یا عدم تحقق احتکار بر عهده کمیسیون است و البته ابهامی که در این زمینه وجود داشت آن بود که منظور از کمیسیون، کمیسیون مرکزی و یا کمیسیون ولایتی بود؟ با تصویب «کود جزا» مفاد مقرر فوق در فقره ۱ ماده ۸۰۱ آن با اندکی تغییر عبارت تکرار گردید لیک در مقرر اخیر تصریح گردید که «تثبیت و دستیابی توسط کمیسیون عالی منع احتکار» صورت می‌گیرد که می‌توان گفت منظور همان کمیسیون مرکزی منع احتکار بوده است. هرچند اجمالاً پاسخ اداری به احتکار در «کود جزا» نیز مانند قانون منع احتکار تأیید شده است، در ادامه توضیح داده خواهد شد که تعارض لاینحلی نیز در «کود جزا» افغانستان وجود دارد.

در خصوص نحوه عملکرد کمیسیون در خصوص فروش کالای موضوع احتکار سؤالات و ابهامات بسیاری وجود دارند: نحوه تصمیم‌گیری کمیسیون به چه شکلی است؟ آیا کمیسیون بر مبنای اتفاق آراء تصمیم‌گیری می‌نماید یا بر مبنای اکثریت اعضای آن؟ مرجع تشخیص قیمت عادلانه کالا آیا خود کمیسیون است و یا اینکه با ارجاع موضوع به اهل‌خبره تعیین می‌گردد؟ ضوابط تعیین قیمت عادلانه چیست و آیا امکان اعتراض مالک و یا نماینده قانونی او به قیمت عادلانه اعلامی و یا حداقل امکان اظهار نظر مالک و یا نماینده قانونی او در خصوص قیمت عادلانه وجود دارد؟ در صورت امتناع مالک و یا نماینده قانونی او جهت عرضه کالا تکلیف چیست؟ آیا تصمیمات کمیسیون قابلیت اعتراض در نزد مراجع قضایی را دارد؟ صرف نظر از ابهامات مربوط، یکی از پاسخ‌های اداری برای احتکار فروش کالای موضوع احتکار است که اجرای حکم نیز می‌بایست در اسرع وقت و حداکثر ظرف ۴۸ ساعت بعد از تعیین قیمت عادلانه صورت گیرد.

پاسخ اداری دیگر به احتکار جریمه نقدی بود که در فقره ۲ ماده ۶ قانون مذکور پیش‌بینی شده بود. «وجوهی که از فروش مواد احتکار شده مندرج فقره (۱) این ماده حاصل می‌گردد، بار اول بعد از وضع مصارف (۵۰) فیصد آن به حساب واردات دولت تحویل بانک و (۵۰) فیصد دیگر آن به مالک یا نماینده قانونی وی داده می‌شود. در صورت تکرار پول ماحصل فروش بحیث مجازات نقدی مطابق احکام قانون به دولت تعلق می‌گیرد». مفاد این فقره با اندکی تغییرات عبارتی در فقرات ۲ و ۳ ماده ۸۰۱ «کود جزا» نیز تکرار شده است. بر این اساس، در مرتبه اول پسر از کسر هزینه‌های مربوط به عرضه کالا، ۵۰ درصد ماحصل فروش کالای احتکار شده و در مراتب بعدی کل مبلغ حاصل به عنوان مجازات اداری به نفع دولت ضبط می‌شود.

پاسخ‌دهی اداری به احتکار در هر دو نظام حقوقی علاوه بر اندیشه‌های نو در خصوص تحدید کاربرد حقوق کیفری، ریشه در میراث فرهنگی هر دو کشور در برخورداری از نهاد حسبه به عنوان یک نهاد شبه قضایی در عرض مراجع قضایی نیز دارد، چراکه مقابله با احتکار همواره یکی از صلاحیت‌های محتسب محسوب می‌شد. «سازمان حسبه از داد و ستدهای غرری و زیان‌بخش و به ویژه رباخواری و احتکار مواد خوراکی و مورد نیاز مردم با کوشایی و قاطعیت جلوگیری می‌کرد و با مصادره اموال محتکر - در آنچه احتکار کرده بود - و فروش آن به قیمتی عادلانه و پرداخت بهایش به دارنده آن، جامعه را از خطر گرانی و کمبود رهایی می‌داد و اگر مواد خوراکی یا آشامیدنی احتکار شده فاسد شده بود، آنها را نابود می‌ساخت» (ساکت، ۱۳۸۲: ۴۵۰).

در مقام مقایسه، پیش‌بینی پاسخ‌های اداری برای احتکار از وجوه اشتراک در هر دو نظام حقوقی است لیک تفاوت‌هایی نیز در این خصوص وجود دارند. هرچند در خصوص اصل ارائه پاسخ‌های اداری به احتکار (توسط شعب تعزیرات حکومتی و هیئت‌های رسیدگی به تخلفات اداری در نظام حقوقی ایران و کمیسیون مرکزی منع احتکار در نظام حقوقی افغانستان) اشتراک وجود دارد، تفاوت‌هایی اساسی نیز وجود دارند. در حالی که در نظام حقوقی ایران با وجود

انتقادات فراوان به رسیدگی به تخلف احتکار، مقررات دادرسی کمابیش روشنی وجود دارند،^۱ در نظام حقوقی افغانستان کمیسیون منع احتکار فاقد نظام دادرسی اداری مشخص است. علاوه بر این، پاسخ‌های اداری در نظام حقوقی ایران از تنوع بیشتری برخوردار هستند.

۲-۲. پاسخ‌های کیفری

در فقه امامیه در مورد نحوه مجازات محکوم بحث خاصی نشده است، ولی بنا به نظر مشهور فقهای امامیه مبنی بر «التعزیر لکل عمل محرم» (محقق داماد، ۱۴۰۶: ۲۳۶) با تعبیری چون «کل من اتی معصیه لا یجب بها الحد فإنه یعزر» (ابوجعفر محمد بن حسن بن علی بن حسن طوسی، ۱۳۸۷: ۶۹) و یا «کل ما لم یرد فیه حد من الشرع فی المعاصی، ففیه التعزیر» (میر عبد الفتاح الحسینی المراغی، بی تا: ۶۲۷) حاکم شرع می تواند در مورد تمام گناهان به خصوص گناهان کبیره متخلف را تعزیر نماید و شکی نیست که لسان اخبار احتکار با تنوع و کثرت شان دلالت بر گناه کبیره بودن احتکار دارند، زیرا در این اخبار، محکوم مورد لعن و نفرین واقع شده و به عذاب الهی وعده داده شده است.

اما فقهای حنفی در مورد مجازات محکومان گفته اند که در مرتبه اول ملزم به عرضه اجناس می شود لیک اگر به احتکار کالا ادامه دهد، حاکم بر فروش کالا اصرار و او را نصیحت کرده و تهدید می نماید و اگر احتکار همچنان ادامه داشته باشد حاکم او را زندانی و تعزیر نموده و ملزم به فروش کالای خود می نماید و در صورت امتناع، حاکم اقدام به فروش آن کالاها می نماید (وهبه بن مصطفی الزحیلی، بی تا: ۲۶۹۴).

۱. برای آشنایی بیشتر ر.ک: امید رستمی غازانی (۱۳۹۶)، آیین دادرسی تعزیرات حکومتی، ج اول، تهران، میزان؛ حسین اعظمی چهار برج و دیگران (۱۳۹۲)، نحوه عملی رسیدگی در شعب سازمان تعزیرات حکومتی (بدوی - صنفی)، ج اول، ج اول، تهران، خرسندی؛ امیرحمزه زینالی و علی احمدی (۱۳۸۳)، «سازمان تعزیرات حکومتی، از قضاودایی تا کیفرزدایی و رعایت حقوق متهمان و بزهدیدگان»، مجله حقوقی دادگستری، شماره‌های ۴۸ و ۴۹.

در نظام حقوقی ایران صرف احتکار جرم تلقی نمی‌شود ولی تحت شرایط خاصی ممکن است بر آن عنوان مجرمانه نیز صدق نماید. به موجب ماده ۱ قانون اخلاص‌لگران در نظام اقتصادی کشور «ارتکاب هر یک از اعمال مذکور در بندهای ذیل جرم محسوب می‌شود و مرتکب به مجازات‌های مقرر در این قانون محکوم می‌شود: (...). ب- اخلاص‌ل در امر توزیع مایحتاج عمومی از طریق گران‌فروشی کلان ارزاق یا سایر نیازمندی‌های عمومی و احتکار عمده ارزاق یا نیازمندی‌های مزبور». با توجه به آنچه در بحث عنصر مادی احتکار در نظام حقوقی ایران گذشت، عمده بودن کالای مورد نگهداری از شرایط لازم برای تحقق عنوان احتکار است لیک برای صدق عنوان مجرمانه بر آن و شمول مجازات‌های مقرر در قانون مجازات اخلاص‌لگران در نظام اقتصادی کشور که تا حدودی مجازات‌های شدیدی نیز هستند، می‌بایست علاوه بر صدق عنوان احتکار بر رفتار مرتکب، این احتکار نیز به صورت عمده باشد، به نحوی که باعث اخلاص‌ل در امر توزیع مایحتاج عمومی شود. در واقع، قید عمده مقرر در بند (ب) ماده ۱ قانون مجازات اخلاص‌لگران در نظام اقتصادی کشور متفاوت از قید عمده مقرر در تعریف احتکار است و این تفسیر منطبق با تفسیر به نفع متهم و همچنین تفسیر منطقی قوانین جزایی است. بسته به میزان اخلاص‌ل ناشی از احتکار و عنصر روانی آن مجازات‌های متفاوتی برای احتکار در نظر گرفته شده است. در صورتی که احتکار به قصد ضربه زدن به نظام جمهوری اسلامی ایران و یا به قصد مقابله با آن و یا با علم به مؤثر بودن اقدام در مقابله با نظام مزبور در حد فساد فی الارض باشد مرتکب به اعدام و در غیر این صورت در صورتی که اخلاص‌ل ناشی از احتکار عمده باشد به حبس از پنج سال تا بیست سال محکوم می‌شود و در هر دو صورت دادگاه به عنوان جزای مالی به ضبط کلیه اموالی که از طریق خلاف قانون بدست آمده باشد حکم خواهد داد. دادگاه می‌تواند علاوه بر جریمه مالی و حبس، مرتکب را به ۲۰ تا ۷۴ ضربه شلاق در انظار عمومی محکوم نماید. در مواردی که اخلاص‌ل ناشی از احتکار عمده یا کلان یا فراوان نباشد، مرتکب حسب مورد علاوه بر رد مال به حبس از شش ماه تا سه سال و جزای نقدی معادل دو برابر اموالی که از طریق مذکور بدست آورده محکوم می‌شود. پیش‌بینی ضابطه‌های نامشخص برای تفکیک سه حالت پیش گفته (اخلاص‌ل

عمده منجر به افساد، اخلاص عمده و اخلاص غیر عمده) از اشکالات عمده وارد بر قانون مجازات اخلاصگران در نظام اقتصادی کشور است، چراکه واگذاری موضوعات کلیدی و مهم به قضات بر مبنای معیارهای ذهنی و خلق الساعه نقض اصل قانونی بودن جرایم است (Dressler, 2015: 59).

به موجب تبصره ۶ ماده ۲ قانون مجازات اخلاصگران در نظام اقتصادی کشور رسیدگی به جرم احتکار منجر به اخلاص در امر توزیع مایحتاج عمومی در صلاحیت دادگاه‌های انقلاب است و دادسرا و دادگاه صالح نیز مکلفند فوری و خارج از نوبت به آن رسیدگی نمایند. سوای این موضوع تفاوت خاصی در خصوص فرایند شکلی پاسخدهی کیفری به جرم احتکار با دیگر جرایم موجود نبود و رسیدگی به آن تابع عموماً مقررات دادرسی کیفری بود ولی با استیذان رئیس وقت قوه قضائیه از مقام رهبری، مقرر گردید که برای مدت ۲ سال برخی از مقررات عام دادرسی کیفری نسبت به متهمان جرایم موضوع قانون مجازات اخلاصگران در نظام اقتصادی کشور اجراء نگردد که این مصوبه را می‌توان گامی در راستای حرکت از «الگوی دادرسی منصفانه»^۱ به «الگوی دادرسی کنترل جرم»^۲ در خصوص جرم احتکار دانست.^۳

در نظام حقوقی افغانستان در عرض پاسخ‌های اداری به احتکار، پاسخ‌های کیفری نیز ارائه می‌شوند. ماده ۸۰۰ «کود جزا» بیان می‌دارد که «شخصی که به مقصد سودجویی بیشتر یا فروش به نرخ بلندتر از قیمت رقابتی، مواد اولیه ارتزاقی و مصرفی مورد نیاز عامه را پنهان کند یا از عرضه مواد مذکور امتناع ورزد یا مانع عرضه آن توسط سایر اشخاص گردد، مشروط بر اینکه منجر به کمبود مواد اولیه و افزایش قیمت‌ها در بازار شود، مرتکب جرم احتکار شناخته شده، مطابق احکام این فصل، مجازات می‌گردد». بر این اساس، برخلاف نظام حقوقی ایران که تنها در شرایط خاصی

1. Due Process Model.

2. Crime Control Model.

۳. برای آشنایی بیشتر با مدل‌های دادرسی کیفری ر.ک: حسام قیابچی و حمیدرضا دانش‌ناری (۱۳۹۱)، «الگوهای دوگانه

فرایند کیفری کنترل جرم و دادرسی کیفری»، فصلنامه آموزه‌های حقوق کیفری، شماره ۴.

Herbert Packer (1964), Two Models of Criminal Process, Stanford University Press.

احتکار جرم‌انگاری شده است، در نظام حقوقی افغانستان مطلق احتکار جرم‌انگاری شده است. ماده ۸۰۲ نیز اشاره می‌دارد که «شخصی که مرتکب جرم احتکار گردد، علاوه بر مصادره مواد احتکارشده، به حبس قصیر، نیز محکوم می‌گردد». بر اساس حکم این ماده برای جرم احتکار دو مجازات «مصادره مواد احتکارشده» و «حبس قصیر» پیش‌بینی شده است. در اینجا باید متذکر گردید که «مصادره مواد احتکارشده» ماهیتاً متفاوت از «مصادره وجوه حاصل از فروش مواد احتکارشده» مقرر در فقرة ۲ ماده ۶ قانون منع احتکار و فقرات ۲ و ۳ ماده ۸۰۱ «کود جزا» است. ظاهر حکم ماده ۸۰۲ آن است که خود کالاهای موضوع احتکار به نفع دولت مصادره می‌شود و از همین جا تعارض بین حکم مقرر در ماده ۸۰۲ «کود جزا» با ماده ۶ قانون منع احتکار و ماده ۸۰۱ «کود جزا» مشخص می‌شود، چراکه نمی‌توان پاسخ اداری مصادره وجوه ناشی از فروش کالا را با پاسخ کیفری مصادره کالاهای موضوع احتکار جمع نمود. مدت حبس قصیر نیز به عنوان یکی دیگر از پاسخ‌های کیفری به جرم احتکار به موجب ماده ۱۴۷ «کود جزا» حبس از سه ماه تا یک سال است. پیش‌بینی مجازات حبس کوتاه مدت برای احتکار نشان از آن دارد که جرم احتکار در مقایسه با دیگر جرایم از اهمیت کمتری برخوردار است. اما نکته مهم‌تر آن است که پیش‌بینی مجازات حبس قصیر برای جرم احتکار چندان سنخیتی با این جرم ندارد؛ احتکار مانند دیگر جرایم اقتصادی با انگیزه افزایش نامشروع دارایی صورت می‌گیرد و از این رو پیش‌بینی مجازات جزای نقدی نسبی می‌توانست ضمن جلوگیری از آسیب‌های ناشی از اعمال حبس‌های کوتاه مدت، تناسب بیشتری با ماهیت و میزان گستره جرم ارتكابی داشته باشد.

ماده ۸۰۴ «کود جزا» را قانونگذار افغانستان به «حالت مشدده احتکار» اختصاص داده است که تعبیر درست‌تر آن بود که قانونگذار از «حالت‌های مشدده» نام برد، چراکه حداقل دو مورد مشدده را مورد اشاره قرار داده است. به موجب فقرة ۱ ماده مذکور «شخصی که مواد اولیه را پنهان یا به منظور متضرر ساختن اقتصاد مردم از عرضه آن امتناع یا مانع عرضه آن توسط سایر اشخاص گردد، به حبس متوسط، محکوم می‌گردد». در مقام مقایسه این فقره با تعریف مقرر در فقرة ۱ ماده ۸۰۰ برای احتکار مشخص می‌شود که در ماده ۸۰۰، احتکار جرمی مقید است لیک در فقرة

۱ ماده ۸۰۴ اشاره‌ای به نتیجه نشده است. در اینجا به نظر می‌آید که با توجه به عنوان بکاررفته در عنوان ماده ۸۰۴ (یعنی حالت مشدده احتکار)، جرم مقرر در فقره ۱ ماده ۸۰۴ می‌بایست واجد تمام عناصر احتکار باشد، چراکه در غیر این صورت بر آن صدق احتکار نمی‌شود و از این رو می‌توان نتیجه گرفت که در فقره ۱ ماده ۸۰۴ با وجود عدم اشاره صریح قانونگذار تحقق نتیجه شرط است.

به جهت مشدد بودن جرم احتکار موضوع فقره ۱ ماده ۸۰۴ علاوه بر وجود شرایط احتکار ساده، وجود شرط یا شرایط اضافی نیز ضروری است و سؤال این است که این شرط یا شرایط اضافی در فقره ۱ ماده ۸۰۴ چه هستند؟ در مقایسه رفتارهای ارتكابی در فقره ۱ ماده ۸۰۴ با فقره ۱ ماده ۸۰۰ «کود جزا» مشخص می‌شود که رفتارهای ارتكابی یکسان هستند لیک تفاوت آن است که رفتارهای ارتكابی در فقره ۱ ماده ۸۰۰ می‌بایست با انگیزه «سودجویی بیشتر» و یا «فروش به نرخ بلندتر» صورت گیرد ولی در فقره ۱ ماده ۸۰۴ این رفتارها می‌بایست به انگیزه «متضرر ساختن اقتصاد مردم» صورت گیرند. به موجب فقره ۳ ماده ۸۰۴ نیز «به مقصد این ماده متضرر ساختن اقتصاد مردم عبارت است از قرار دادن اتباع کشور در مضیقه اقتصادی در غیر از حالات مندرج ماده ۸۰۰ این قانون». بنابراین، به انگیزه «متضرر ساختن اقتصاد مردم» امری فراتر از ارتكاب رفتار به انگیزه «سودجویی» یا «فروش به نرخ بلندتر» است و عبارت از ارتكاب رفتار به انگیزه «قرار دادن اتباع کشور در مضیقه اقتصادی» است. البته اشکال عمده وارد بر فقره ۱ ماده ۸۰۴ آن است که عبارت پردازی آن به نحوی صورت گرفته است که عبارت «به منظور متضرر ساختن اقتصاد مردم» تنها به رفتارهای «امتناع از عرضه» و یا «ممانعت از عرضه» برمی‌گردد و شامل رفتار «پنهان» ساختن نمی‌شود، که در این خصوص نیاز به اصلاح قانون وجود دارد.

در صورتی که شخصی مرتکب جرم احتکار موضوع فقره ۱ ماده ۸۰۴ «کود جزا» شود به مجازات حبس متوسط محکوم می‌شود، که با توجه به ماده ۱۴۷ این قانون عبارت از حبس از یک تا پنج سال است. در فقره ۲ ماده ۸۰۴ قانونگذار افغانستانی اقدام به پیش‌بینی حالت مشدده‌ای برای احتکار مشدد مقرر در فقره ۱ کرده است. «هرگاه جرم مندرج فقره ۱ این ماده توسط بیش

از دو نفر ارتکاب یابد، هر یک از مرتکبین، به حداکثر حبس متوسط، محکوم می‌گردد». تفسیر به نفع متهم اقتضای این را دارد که حکم فقره ۲ را منحصر به حالتی دانست که دو شخص با مشارکت یکدیگر مرتکب ارتکاب مشدد فقره ۱ ماده ۸۰۴ شوند و حالت اجتماع معاون و مرتکب اصلی را از شمول این فقره خارج دانست. در صورت تحقق فقره ۲ ماده ۸۰۴ مرتکبان به مجازات حداکثر حبس متوسط که عبارت از ۵ سال حبس است محکوم می‌شوند.

یکی دیگر از موارد جرم ارتکاب مشدد در فقره ۴ ماده ۸۰۴ «کود جزا» پیش‌بینی شده است. «هر گاه تحویل‌دار یا گدام‌دار [انباردار] یا موظف کشف یا هیأت موظف خدمات عامه با سوءاستفاده از وظیفه، موقوف یا نفوذ، ارتکاب نماید یا زمینه ارتکاب را فراهم سازد، به حداکثر حبس متوسط محکوم می‌گردد». برای صدق این مورد ضرورت دارد که بر مرتکب یکی از عناوین مذکور صدق نموده و شخص با سوءاستفاده از موقعیت خود مرتکب ارتکاب و یا فراهم‌آوری زمینه ارتکاب گردد. در راستای رویکرد تشدید، قانونگذار افغانستان شروع به ارتکاب و یا معاونت در ارتکاب ارتکابی توسط اشخاص مذکور در این فقره را در حکم ارتکاب دانسته و برای آن مجازات ارتکاب مشدد را در نظر گرفته است. مجازات ارتکاب مشدد فقره ۴ ماده ۸۰۴ حداکثر حبس متوسط (۵ سال حبس) است.

در نظام حقوقی افغانستان هرچند به موجب فقره ۲ ماده ۲ «کود جزا» مرتکب جرایم حدود، قصاص و دیت مطابق احکام فقه حنفی شریعت اسلام مجازات می‌گردد، لیک از آنجا که عنوان حدی متناسب در فقه حنفی وجود ندارد، برخلاف نظام حقوقی ایران، در نظام حقوقی افغانستان امکان صدق عنوان حدی بر ارتکاب وجود ندارد. به موجب ماده ۲ قانون تمسک القضاة الامانیة که مبتنی بر فقه حنفی است، «حد پنج گونه است یکی حد زنا دوم حد آشامیدن شراب سوم حد قذف چهارم حد سرقه پنجم حد قطاع الطريق»، پس در فقه حنفی افساد فی الارض به عنوان مجازات حدی مستقل مطرح نیست و از این رو امکان صدق عنوان حدی بر ارتکاب وجود ندارد.

نتیجه

احتکار کالا به عنوان یکی از عوامل اخلاق در تعادل نظام اقتصادی جامعه در قوانین هر دو کشور ایران و افغانستان بزه‌انگاری شده است و مطالعه سوابق قانونگذاری در هر دو کشور نشان از توجه خاص قانونگذاران هر دو کشور به موضوع احتکار دارد، با این تفاوت اساسی که در نظام حقوقی ایران احتکار ابتدائاً تخلف بوده و تنها در شرایط خاصی مشمول عنوان مجرمانه شده و این در حالی است که در نظام حقوقی افغانستان احتکار هم‌زمان تخلف و جرم محسوب می‌شود. در نتیجه در نظام حقوقی ایران بین پاسخ‌های اداری و کیفری به احتکار یک رابطه طولی وجود دارد لیک در نظام حقوقی افغانستان پاسخ‌های اداری و کیفری در عرض یکدیگر قرار دارند. سیاست کیفری اتخاذی در افغانستان نه تنها موجب بروز تعارض لاینحلی در خصوص نحوه اجرای هم‌زمان این دو گونه پاسخدهی و تأثیر هر یک بر دیگری شده است، بلکه با دیدگاه فقهی مطروحه توسط فقهای حنفی نیز ناسازگار است و در این راستا اصلاح مقررات «کود جزای» افغانستان ضروری است.

در هر دو نظام حقوقی قانونگذاران یک سیاست کیفری افتراقی را در خصوص احتکار اتخاذ کرده‌اند و پیش‌بینی صلاحیت‌هایی برای نهادهایی مانند شعب تعزیرات حکومتی و کمیسیون مرکزی منع احتکار به ترتیب در نظام حقوقی ایران و افغانستان از جمله نمودهای اصلی این سیاست کیفری افتراقی است، که می‌توان در توجیه آن علاوه بر رویکردهای جدید تحدید حقوق کیفری، به سابقه تمدنی نهاد حسبه اشاره کرد. با این حال، نقدهای جدی در هر دو نظام حقوقی در خصوص عدم پیش‌بینی ضوابط دادرسی شفاف و روشن در پاسخدهی اداری به احتکار مشاهده می‌شود.

در نظام حقوقی افغانستان کالاهای موضوع احتکار محدود به کالاهای خاص و محدودی شده‌اند که این محدودیت چندان سنخیتی با شرایط اقتصادی روز جامعه افغانستان ندارد، چراکه برخی از اقلام کالایی که به مراتب مهم‌تر از موارد مذکور در قانون هستند (مانند دارو) جزو کالاهای موضوع احتکار ذکر نشده‌اند. در مقابل، در نظام حقوقی ایران نیز هر چند محدودیتی از

حیث کالاهای موضوع احتکار وجود ندارد، تشخیص و اعلام کالاهای موضوع احتکار به دولت محوّل شده است، بدون آنکه سازکار قانونی خاصی جهت تضمین رعایت اصل قانونی بودن پیش بینی شده باشد. عدم رعایت این اصل زمانی در نظام حقوقی ایران پررنگ می شود که احتکار مشمول عناوین مجرمانه مقرر در قانون مجازات اخلاصگران در نظام اقتصادی شود، چراکه قانونگذار بدون تعیین ضوابط خاصی حتی گاه رفتار مرتکب را از جهت جرم افساد فی الارض مشمول مجازات اعدام می داند.

منابع

الف) فارسی

- ابراهیمی، شهرام و مجید صادق نژاد نایینی (۱۳۹۲). «تحلیل جرم‌شناختی جرایم اقتصادی»، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، شماره پنجم.
- اعظمی چهار برج، حسین و دیگران (۱۳۹۲). نحوه عملی رسیدگی در شعب سازمان تعزیرات حکومتی (بدوی - صنفی)، جلد اول، چاپ اول، تهران، خرسندی.
- امیدی، جلیل (۱۳۹۶). احتکار: در دانشنامه علوم جنایی اقتصادی، چاپ اول، تهران، میزان.
- امیر، امان الله خان. (۱۳۰۰). تمسک القضاة الامانیة، جلد دوم، چاپ اول، کابل، دار السلطنة.
- انصاری، مسعود و محمدعلی طاهری (۱۳۸۶). دانشنامه حقوق خصوصی، جلد اول، چاپ اول، تهران، محراب فکر.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۸). ترمینولوژی حقوق، چاپ بیست و دوم، تهران، گنج دانش.
- دلما-مارتی، می‌ری (۱۳۹۳). نظام‌های بزرگ سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، جلد ۱، چاپ اول، تهران، میزان.
- رستمی غازانی، امید (۱۳۹۶). آیین دادرسی تعزیرات حکومتی، چاپ اول، تهران، میزان.
- زراعت، عباس (۱۳۹۵). حقوق کیفری اقتصادی، چاپ اول، تهران، جنگل.
- زینالی، امیرحمزه و علی احمدی (۱۳۸۳). «سازمان تعزیرات حکومتی، از قضا‌دایی تا کیفرزدایی و رعایت حقوق متهمان و بزه‌دیدگان»، مجله حقوقی دادگستری، شماره‌های ۴۸ و ۴۹.
- ساکت، محمدحسین (۱۳۸۲). دادرسی در حقوق اسلامی، چاپ اول، تهران، میزان.
- ساکی، محمدرضا (۱۳۹۶). حقوق کیفری اقتصادی، چاپ چهارم، تهران، جنگل.
- عارفی‌نیا، عبدل و حسین آیینه‌نگینی (۱۳۹۷). مجموعه نظریه‌های مشورتی دفتر امور حقوقی سازمان تعزیرات حکومتی به انضمام مصوبات شورای حقوقی، چاپ دوم، تهران، میزان.

- قبانجی، حسام و حمیدرضا دانش ناری (۱۳۹۱). «الگوهای دوگانه فرایند کیفری کنترل جرم و دادرسی کیفری»، فصلنامه آموزه‌های حقوق کیفری، شماره ۴.
- محقق داماد، سیدمصطفی (۱۴۰۶ هـ.ق). قواعد فقه، جلد چهارم، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی.
- مهدوی پور، اعظم (۱۳۹۵). سیاست کیفری اقتصادی در قلمرو بزهکاری اقتصادی، چاپ دوم، تهران، میزان.
- موسوی، سیدکاوه (۱۳۹۷). مجموعه قوانین تعزیرات حکومتی در نظم حقوقی کنونی، چاپ دوم، تهران، میزان.
- میرسعیدی، سیدمنصور و محمود زمانی (۱۳۹۲). «جرم اقتصادی؛ تعریف یا ضابطه؟»، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، شماره چهارم.
- میرمحمدصادقی، حسین (۱۳۹۷). حقوق کیفری اختصاصی ۲ (جرایم علیه اموال و مالکیت)، چاپ پنجاه و دوم، تهران، میزان.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین و هاشم بیکی (۱۳۹۳). دانشنامه جرم‌شناسی، چاپ سوم، تهران، گنج دانش.
- نوری، حسن (۱۳۸۲). فرهنگ بزرگ سخن، جلد اول، چاپ دوم، تهران، سخن.

ب) عربی

- ابن منظور (۱۴۱۴ هـ.ق). لسان العرب، جلد چهارم، چاپ سوم، بیروت، دار صادر.
- الحسینی المراغی، میر عبد الفتاح (بی تا). العناوین، الجزء الثانی، مؤسسه النشر الإسلامی.
- الزحیلی، وهبه بن مصطفی (بی تا). الفقه الإسلامی وأدلته، جلد چهارم، چاپ چهارم، دمشق، دارالفکر.
- طوسی، ابی جعفر محمد بن الحسن بن علی (۱۳۸۷ هـ.ق). المبسوط فی فقه الإمامیه، جلد هشتم، چاپ سوم، تهران، المکتبه المرتضویه لإحياء الآثار الجعفریه.

- طوسی، ابی جعفر محمد بن الحسن بن علی (۱۳۸۷ هـ ق). *المبسوط فی فقه الإمامیه*، جلد دوّم، چاپ سوّم، تهران، المكتبه المرتضویه لإحياء الآثار الجعفریه.
- الكلینی الرازی، أبی جعفر محمد بن یعقوب بن إسحاق (۱۳۶۷). *الفروع من الكافی*، جلد پنجم، چاپ سوّم، دار الكتب الاسلامیه.
- المنتظری، حسینعلی (۱۴۱۵ هـ ق). *دراسات فی ولایه الفقیه و فقه الدوله الاسلامیه*، جلد دوّم، چاپ دوّم، قم، تفکّر.
- الموسوی الخمینى، سیدروح الله (۱۳۹۰ هـ ق). *تحریر الوسیله*، جلد اوّل، نجف الأشرف، مطبعه الآداب.
- الموسوی الخمینى، سیدروح الله (۱۳۹۲). *کتاب البیع*، جلد سوّم، چاپ چهارم، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.

پ) انگلیسی

- Dressler, Joshua (2015). *Understanding Criminal Law*, 7th ed., LexisNexis, Law School Publishing.
- Garner, Bryan A. (editor) (2010). *Black's Law Dictionary*, 9th ed., West Group.
- Packer, Herbert (1964). *Two Models of Criminal Process*, Stanford University Press.
- Sjogren, Hans & Goran Skogh. (2004). *New Perspectives on Economic Crime*, Edeard Elgar Publiting Limited.